

عنوان مقاله:

تقابل جهان‌شناختی «هنر» با «جادو» در شاهنامه (با تکیه بر داستان فریدون و ضحاک)

محل انتشار:

دوفصلنامه کهن نامه ادب پارسی، دوره 8، شماره 3 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسنده:

نجم الدین جباری - 1. استادیار گروه زبان و ادب فارسی و پژوهشگر پاره وقت پژوهشکده کردستان شناسی، دانشگاه کردستان - سنندج

خلاصه مقاله:

واژه هنر، با توجه به ریشه و معناهایش، فضایی اخلاقی را تمثیل می‌کند که در بستر جهان‌بینی مردشاهی برآمده بودند. این فضایل مردانه، مقابل ویژگی‌هایی ایستادند که در جهان‌بینی زن‌شاهی بودند؛ جادوگری یکی از این ویژگی‌ها بود که همچون یک ضدارزش در تقابل با هنر تعریف می‌شد. هنر با این بار معنایی، در همه ادوار، به عنوان خصلت آزادگان تعریف شد که این تکرارها با توجه به خاستگاه‌اش (مهرپرستی)، حکایت از رسوخ جهان‌بینی مهری می‌کند که واژه در بستر آن بالیده بود. پهلوان آرمانی با تأسی از ایزد مهر، می‌کوشید رفتار این ایزد را بورزد و در درونش نهادینه کند که همین هنجارها به اندرزنانه‌های دوران اسلامی هم درآمدند. این مقاله به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی، نخست به دگردیسی‌های معنایی واژه هنر می‌پردازد؛ سپس با بازخوانی داستان فریدون و ضحاک، هنر را بازتاب دهنده جهان‌بینی مردشاهی می‌داند که در تقابل با جادو، به عنوان ویژگی برآمده از جهان‌بینی زن‌شاهی خودنمایی می‌کند.

کلمات کلیدی:

هنر، جادو، جهان‌بینی زن‌شاهی، جهان‌بینی مردشاهی، مهرپرستی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1127463>

